



نقش

صنایع تبدیلی کشاورزی

(با تأکید بر محصولات باغی)

در توسعه کشاورزی

چکیده:

مسئله تأمین غذا همواره از دغدغه‌های اصلی بشر محسوب شده است و پیشرفت انسان در عرصه‌های علم و تکنولوژی نه تنها از وابستگی بشر به غذا کم نکرده بلکه ایشان را بیشتر از گذشته وابسته به یک تغذیه مناسب و مطلوب نموده است. کشور ایران با دارا بودن تنوع آب و هوایی، زمینهای مستعد، خاکهای غنی برای کشت محصولات مختلف و تولید محصولات با کیفیت بالا از توان و ویژگیهای منحصر بفردی در بخش کشاورزی برخوردار است. علیرغم این توان بخش کشاورزی توانسته است تنها ۷۰٪ از نیازهای غذایی کشور را تأمین کند و هر ساله مقدار زیادی بر واردات مواد غذایی افزوده شده است بر این اساس ایجاد و گسترش صنایع روستایی علی‌الخصوص صنایع تبدیلی کشاورزی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه کشاورزی و بالطبع توسعه اقتصادی و به دنبال خود رفاه اجتماعی و ارتقاء سطح زندگی را به همراه داشته باشد. کشور ایران از نظر تولید محصولات باغی در ردیف ده کشور عمده تولیدکننده ۱۳ محصول باغی به شمار می‌رود و در زمینه تولید محصولات باغی نسبت به بسیاری از کشورهای جهان از مزیت نسبی بالاتری برخوردار است. میزان ضایعات این بخش نسبتاً بالا است صنایع تبدیلی محصولات باغی به دلیل جلوگیری از ضایعات فرآورده‌های کشاورزی و محصولات فسادپذیر و انتقال افزوده بیشتر به درون اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها و جلوگیری از گسترش زاغه‌نشینی در شهرها زمینه‌ساز تقویت پایه‌های اقتصادی مراکز روستایی می‌باشد.

● امید شریفی و غلامحسین عبدالله زاده
دانشجویان کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشکده
کشاورزی دانشگاه تهران

مقدمه:

امروزه در راستای نیل به خودکفایی در تمام زمینه‌های ممکن ایجاد فرصت‌های شغلی برای جمعیت فزاینده کشور بویژه جوانان روستایی، افزایش تولید و امنیت غذایی نیازمند یک برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه می‌باشد لازمه این کار هماهنگی بین بخش‌های کشاورزی صنعت، خدمات در روستا به نحو مشخصی می‌باشد و بر همین اساس ایجاد صنایع روستایی می‌تواند تولید را تحریک بخشد و زمینه اشتغال، افزایش درآمد روستائیان را فراهم آورد و همچنین باعث جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها شود. در صورتیکه مشاهدات نشان‌دهنده این است که رشد قطب‌های صنعتی در سال‌های اخیر باعث توزیع بی‌رویه جمعیت و رشد یکجانبه فعالیت‌های اقتصادی شده و همچنین باعث گردیده که مهاجرت روستائیان به شهرها افزایش یابد.

برآورد کارشناسان نشان می‌دهد که جمعیت ایران از ۶۲ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ به ۱۶۲ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید و ایران از پانزدهمین کشور پرجمعیت در سال ۱۹۹۳ به نهمین کشور پرجمعیت تبدیل خواهد شد. (۱۰) از آنجا که ایران به دلیل بهره‌مندی از شرایط مساعد اقلیمی و جغرافیایی یکی از کشورهای عمده در زمینه تولید محصولات باغی به شمار می‌رود (بر اساس آمار منتشره از سوی سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد (فائو) ایران از نظر مجموع تولیدات باغی در مرتبه دهم بین ۲۲۱ کشور قرار دارد) و همچنین در مقیاس بازار جهانی محصولات باغی از مزیت نسبی نسبت به بسیاری از کشورهای جهان برخوردار است لذا این امر لزوم ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی محصولات باغی را موجه جلوه می‌دهد تا از این طریق گامی بس مهم در راه رشد و توسعه روستایی برداشته شود.

متأسفانه در حال حاضر به دلیل فقدان صنایع تبدیلی در مراکز تولید انبوه محصولات باغی بخش مهمی از اینگونه فرآورده‌ها یا از طریق واسطه‌ها به قیمت‌های ارزان از تولیدکنندگان خریداری و یا بدلیل نبود امکانات مکانیزه، فقدان روش‌های مناسب کاشت و برداشت محصول، ضعف و نبود صنایع تبدیلی کافی و فقدان شیوه‌های مناسب بسته‌بندی دچار ضایعات می‌شوند.

تولید غذا در جهان سوم:

کشورهای توسعه یافته با ۲۶ درصد جمعیت بیش از ۶۰٪ و کشورهای در حال توسعه با ۳۴٪ جمعیت چیزی حدود ۴۰ درصد تولید مواد غذایی جهان را در اختیار دارند بطوریکه خودکفایی غذایی کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۸۰ به ۱۰۴ درصد رسیده است. در طی ۳۰ سال گذشته درآمد یک میلیارد جمعیت مرفه جهان ۳۰۰ برابر یک میلیارد انسانهایی بوده است که در مناطق فقیر زندگی می‌کنند جامعه فقیر جهان بر اثر مبادله نابرابر، عدم توزیع صحیح، تفاوت بهره پولی و امها؛ برای دستیابی به تکنولوژی جدید سالیانه بیش از ۵۰۰ میلیون دلار از موجودی منابع طبیعی خود را تقدیم جهان ثروتمند می‌کند و این در حالی است که کل کمکی که به اشکال مختلف دنیای پیشرفته برای این جماعت فقیر خرج می‌کند به ۰/۱ آن هم نمی‌رسد به همین علت است که امروزه در کنار غارت نعمات طبیعی این کشورها بدهی خارجی آنها چندین میلیارد دلار شده است و این مسأله امکان ورود مایحتاج غذایی و سروسامان بخشیدن به مسائل کشاورزی آنها را فلج و گاهی غیرممکن ساخته است. به نظر می‌رسد با ادامه روند فعلی رشد جمعیت و تولید محصولات کشاورزی، در سال ۲۰۱۰ در کشورهای جهان سوم شاهد تشدید گرسنگی و سوء تغذیه، کاهش خوداتکایی بین کشورها، افزایش واردات مواد غذایی و هزینه کردن ۹۵ درصد درآمد صادراتی آنها برای محصولات کشاورزی خواهد بود. (۴)

متأسفانه در کشور ما نیز روند نیازهای غذایی به گونه‌ای بوده است که بخش کشاورزی توانسته است تنها ۷۰ درصد نیازهای غذایی کشور را پاسخگو باشد و به ناچار هر ساله مقادیر معتنابهی بر واردات مواد غذایی افزوده شده است. (۱)

تعریف صنایع تبدیلی کشاورزی

مجموعه فعالیت‌هایی است که با فرآوری محصولات کشاورزی از طریق تغییرات فیزیکی و شیمیایی، ذخیره‌سازی، بسته‌بندی و توزیع به تبدیل و نگهداری آنها

می‌پردازد. ماهیت این عملیات و میزان تغییر و تبدیل مواد اولیه متفاوت و گسترده است که از ساده‌ترین عملیات مانند شستشو و درجه‌بندی تا پیچیده‌ترین فرایندهای شیمیایی را که به تغییر نسوج و بافت منجر می‌شود دربرمی‌گیرد.

ویژگیهای صنایع تبدیلی کشاورزی:

الف) فصلی بودن مواد اولیه: تولید مواد اولیه این نوع صنایع فصلی و بیشتر در یک یا دو نوبت از سال صورت می‌گیرد ولی تقاضا برای محصولات اینگونه صنایع تقریباً ثابت است و در طول سال استمرار دارد به این دلیل برخلاف دیگر صنایع همواره با نبود موازنه عرضه و تقاضا و مشکل مدیریت موجودی انبار، برنامه‌ریزی تولید، فرآوری و عرضه به بازار روبروست.

ب) فسادپذیری و ضایعات فراوان: بر اساس آماری که از سوی دفتر صنایع غذایی وزارت کشاورزی منتشر شده است نشان‌دهنده این است که فقط در سال زراعی ۷۶-۷۵ ارزش تنها دو رقم میوه (سیب درختی و مرکبات) که ضایع شده معادل ۸۷۶ میلیارد ریال بوده است و همچنین این آمار نشان می‌دهد که ۳/۳ میلیون



در طی ۳۰ سال گذشته درآمد یک میلیارد

جمعیت مرفه جهان ۳۰۰ برابر یک میلیارد

انسانهایی بوده است که در مناطق فقیر زندگی

می‌کنند جامعه فقیر جهان بر اثر مبادله نابرابر،

عدم توزیع صحیح، تفاوت بهره پولی و امها؛ برای

دستیابی به تکنولوژی جدید سالیانه بیش از

۵۰۰ میلیون دلار از موجودی منابع طبیعی خود

را تقدیم جهان ثروتمند می‌کند.



تن از تولید میوه کشور که رقمی برابر با یک هزار و ۷۳۵ میلیون تن است به دلایل مختلف پیش و بعد از عرضه به بازار ضایع شده است (۲). کندی در حمل و نقل، تخلیه بی‌موقع، نبودن مراقبت‌های زراعی یا ناقص بودن آنها، نبود مهارت‌های شغلی در کارگران، رعایت نکردن فواصل کشت، نامناسب بودن ماشین‌های برداشت و رعایت نکردن نکات فنی در نگهداری از جمله عواملی هستند که سبب اتلاف مقادیر زیادی از مواد اولیه از فرآیند تولید شده و تولیدات نهایی نیز از کیفیت مطلوب برخوردار نخواهد بود.

ج) نوسان و تغییر در کیفیت و کمیت مواد اولیه: تغییرات آب و هوا و خسارت‌های ناشی از آفات و بیماری‌ها به مواد اولیه مقدار و کیفیت آنها را تغییر می‌دهد. استاندارد

کردن مواد اولیه بیولوژیکی نیز مشکل یا ناممکن است اینگونه تغییرات صنایع تبدیلی کشاورزی را بشدت از سایر صنایع جدا می کند زیرا وجود مشخصات کمی و کیفی برای مواد اولیه و اطمینان یافتن بیشتر سبب گسترش و افزایش تولید می شود.

مزایای صنایع تبدیلی کشاورزی

- ۱) استفاده از مواد غذایی غیرقابل مصرف مستقیم و یا باقیمانده خوراکی و تبدیل آنها به فرآورده های خوراکی موردنیاز جهت مصرف عمومی و یا صنایع دیگر
- ۲) کاهش انگیزه مهاجرت: نبود صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی در کشورهای جهان سوم باعث شده است که سود اصلی کشاورزی به جیب سلف خرها و تاجر برود و این مسئله باعث می شود که کشاورزان نسبت به کار کشاورزی بی اعتقاد شده و در نتیجه روز بروز بر مهاجرت روستائیان به شهرها افزوده می گردد.
- ۳) خارج کردن اقتصاد از حالت تک محصولی: رشد صنایع تبدیلی کشاورزی

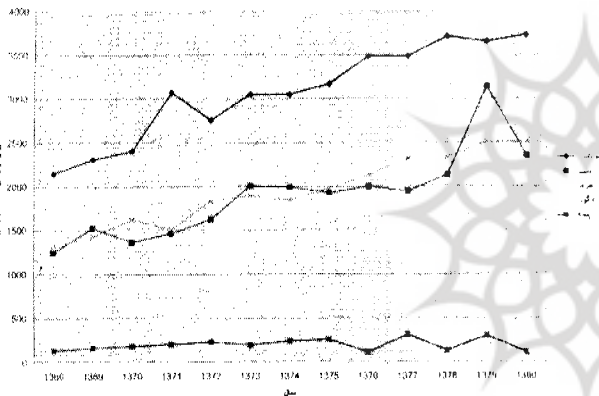
در این صنعت به ازای هر واحد سرمایه گذاری معادل ۵/۹ واحد ارزش افزوده بدست می آید در صورتیکه در کل صنعت برای این مورد رقم ۵/۵۳ واحد می باشد. (۱۱)
 ۵) دستیابی به مطلوبیت بالا مصرف کنندگان و سود بیشتر تولیدکنندگان: در صورت عدم صنایع تبدیلی کشاورزی مصرف کنندگان بهای کمتری در مقابل محصولات پرداخت خواهند کرد ولی در صورت وجود این صنایع هم مصرف کنندگان به مطلوبیت بالاتری دست می یابند و هم تولیدکنندگان به سود بیشتری دست پیدا می کنند.

۶) از جمله مزایای دیگر می توان به ارتقای وضعیت رفاهی، خدماتی، آموزشی و بهداشتی روستاها - افزایش سطح اشتغال - استفاده از منابع منطقه ای - بازیابی ضایعات و جلوگیری از تولید ضایعات بیشتر را نام برد. (۸)

صنایع تبدیلی محصولات باغی

کشور ایران از نظر تولید محصولات باغی در ردیف ۱۰ کشور عمده تولیدکننده ۱۳ محصول عمده باغی به شمار می رود نگاهی به آمار سالهای مختلف در زمینه تولید محصولات باغی نشان می دهد سطح تولید محصولات، سطح باغهای زیر کشت و میزان صادرات محصولات باغی نسبت به سالهای پس از جنگ سیر صعودی داشته است بر طبق آمار سطح باغها از حدود ۱/۳ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۷ به ۲/۱۲ میلیون هکتار در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است و همچنین میزان صادرات محصولات باغی با نرخ رشد متوسط ۱۵/۷ درصد از ۱۲۹ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۶۴۰۳ هزار تن در سال ۱۳۷۹ رسیده است. (۱۲)

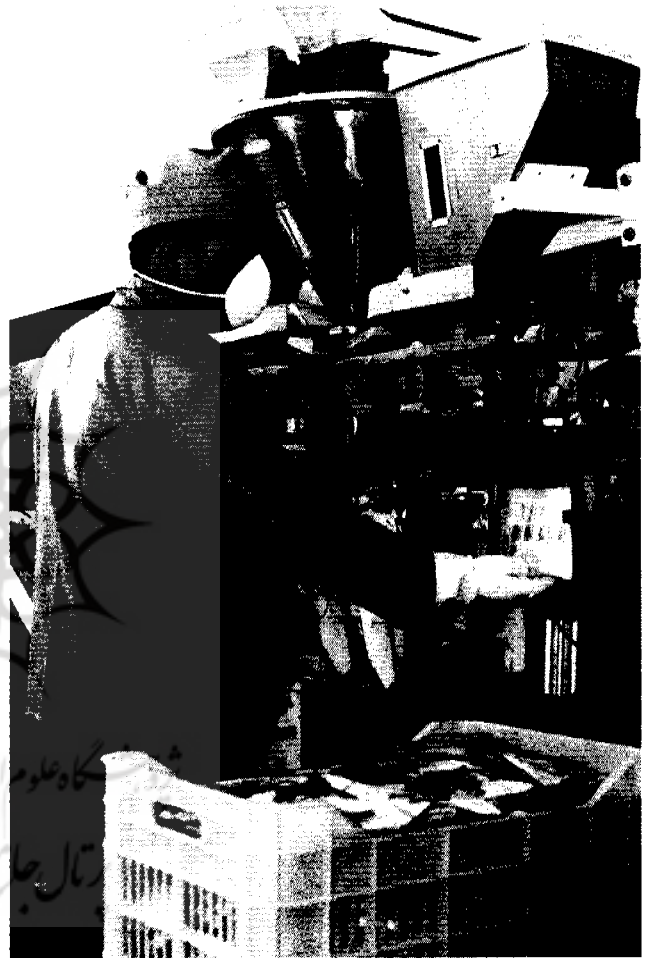
میزان تولید محصولات باغی بین سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۰



میزان تولید محصولات اساسی باغی بین سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۰ بر حسب هزار تن

سال	تولید کل	تولید میوه	تولید سایر محصولات باغی
۱۳۶۸	۲۱۲۷	۵۲۸	۱۳۲۰
۱۳۷۰	۲۲۰۶	۵۷۸	۱۶۲۲
۱۳۷۲	۲۷۵۷	۷۱۶	۱۸۲۵
۱۳۷۴	۳۰۵۱	۷۸۰	۱۸۲۶
۱۳۷۶	۳۲۸۲	۸۷۷	۲۱۴۵
۱۳۷۸	۳۳۱۴	۹۰۸	۲۳۲۲
۱۳۸۰	۳۳۲۹	۸۷۵	۲۵۱۷

مأخذ: اداره کل آمار و اطلاعات، آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی



باعث می شود که اقتصاد از حالت تک محصولی که متکی بر درآمدهای نفتی است خارج شده و ضمن بهبود وضع اقتصاد داخلی سبب افزایش صادرات غیرنفتی شود. بر اساس برآوردهایی که در کشور اتریش انجام گرفته است هر یک درصد افزایش در میزان صادرات برای ۱۲ هزار نفر بیکار در آن کشور اشتغال ایجاد کرده است. در کشور فرانسه عقد هر قرارداد صادراتی ۲۰۰ میلیون دلار به مدت ۳ سال اشتغال بوجود آورده است. در کشور در حال توسعه ای مانند ایران که در ساخت کالاهای صادراتی (بویژه در صنایع کشاورزی) از فن آوری پیچیده ای استفاده نمی شود و اغلب کالاهای قابل صدور نیز کاربر هستند و نه سرمایه بر نقش صادرات در افزایش سطح اشتغال و بکارگیری از امکانات و منابع تجدیدشونده به مراتب بیشتر از کشورهای توسعه یافته خواهد بود. (۳)

۴) وابستگی پایین به مواد اولیه خارجی و ارز: در بین گروههای صنفی، صنایع تبدیلی کشاورزی به میزان کمتری به مواد اولیه وارداتی وابسته می باشد حال اینکه

تکنولوژیکی مجموع شرایط کاشت - برداشت نگهداری، توزیع و مصرف را بگونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌اند که ارقام ضایعات عملاً بسیار ناچیز است اما در کشور ما حجم ضایعات ناسف‌برانگیز است فی‌المثل سالانه مقدار زیادی محصولات باغی و زراعی از بین می‌رود در صورتی که اگر صنایع کشاورزی در این زمینه فعال شوند مقدار زیادی از مواد غذایی صرفه‌جویی خواهد شد.

لذا به عنوان حسن ختام مقاله و با در نظر گرفتن حساسیت و اهمیت صنایع تبدیلی کشاورزی در اقتصاد کشور موارد زیر پیشنهاد می‌شود.

۱) گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی برای تقلیل ضایعات کشاورزی - جلوگیری از ضایعات کشاورزی برای تولیدکنندگان و کشاورزان سودآوری و بهره‌وری بیشتری داشته و موجبات افزایش درآمد و انگیزه بیشتر تولید را فراهم می‌سازد. بازتاب این امر با توجه به در نظر گرفتن یک سوم اشتغال مؤثر و مولد در کل اقتصاد کشور و جمعیت عظیمی که در حال حاضر در مناطق روستایی ساکن است و بطور مستقیم و غیرمستقیم از آن بهره‌مند می‌شوند اهمیت مسأله را بیشتر نمایان می‌سازد بخصوص که یکی از موانع بزرگ توسعه بخش کشاورزی در



در ایران بطور متوسط حدود ۳۰ درصد از مواد غذایی مختلف در نتیجه ضعف امکانات تبدیل و نگهداری ضایع می‌شود که معادل با غذای ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر است این در حالی است که

کشورهای پیشرفته صنعتی به مدد پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی مجموع شرایط کاشت - برداشت نگهداری، توزیع و مصرف را بگونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌اند که ارقام ضایعات عملاً بسیار ناچیز است.



در سال ۱۹۹۴ ارزش کل صادرات انواع کنسرو و میوه حدود ۷۸۱۰ هزار دلار بود که در سال ۱۹۹۸ با نرخ رشد ۲۳/۰۷ درصد به ۱۷۹۱۹ هزار دلار رسیده است.

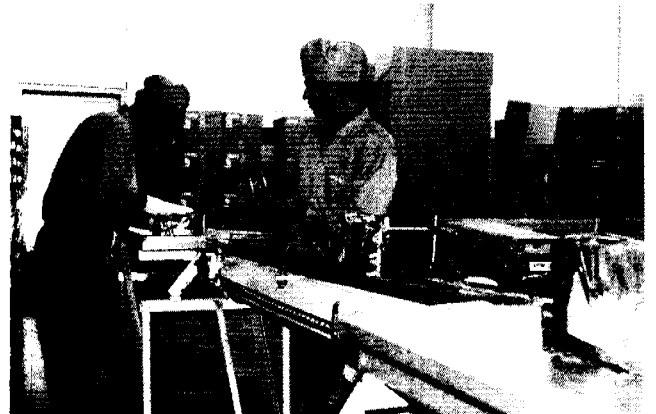
از طرفی اصلی‌ترین تأمین‌کننده مواد غذایی کشور (اعم از پروتئین و کالری) محصولات دو زیر بخش زراعت و باغبانی است. بر اساس بررسیهای انستیتو تغذیه و سازمان خواروبار کشاورزی جهانی بخشهای زراعت و باغبانی حداقل ۹۰/۸ درصد و حداکثر ۹۱/۷ درصد از کیلو کالری مصرفی جمعیت کشور و ۳ زیر بخش دامپروری، شیلات و آبزیان، جنگل و مرتع در مجموع فقط ۸/۳ درصد و حداکثر ۹/۹ درصد از کیلو کالری مصرفی کشور را تأمین می‌کند (۴) اما متأسفانه میزان ضایعات این دو بخش معادل ۳۰ درصد (بطور متوسط) می‌باشد که این میزان ضایعات معادل غذای مصرفی بیش از ۱۵ میلیون نفر است اگر به چرخه تولید برگردد علاوه بر تأمین کسری نیاز داخل امکان صادرات و در نتیجه کسب درآمد ارزی را نیز فراهم می‌آورد. (۹)

از مهمترین منبع درآمد غیرنفتی کشور صادرات محصولات باغی می‌باشد. با توجه به اینکه علیرغم ساخت تسلط سنتی در محصولات باغی مقدار قابل توجهی از صادرات موجود غیرنفتی کشور را این محصولات به صورت تازه و خشک تشکیل می‌دهد و با توجه به اینکه حتی در صورت استمرار روندهای موجود ما طی دهه‌های آتی نیز همواره حتی در سطح تکنولوژی تولید موجود با فزونی عرضه نسبت به تقاضای محصولات عمده باغی روبرو هستیم بنابراین توجه به صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات باغی که ارزش افزوده ناشی از فعالیت تولید این محصولات را بین ۲/۵ تا ۵ برابر افزایش می‌دهد ضروری به نظر می‌رسد این امر علاوه بر اشتغال صنفی از مهاجرت روستائیان جلوگیری نموده و از همه مهمتر فقر روستائیان را کاهش می‌دهد. (۱۱)

نتیجه گیری و پیشنهادات:

وجود ذخایر زیرزمینی (غیرنفتی)، برخورداری از زمین و آب و هوای متنوع و مناسب کشاورزی از جمله توانمندیهای ارزشمندی هستند که در صورت برنامه‌ریزی منسجم، مدیریت قوی و حمایت صحیح مسئولان می‌تواند چراغهایی روشنگر برای صحنه اقتصاد آینده کشور بویژه در مبحث صادرات غیرنفتی باشند. ضرورت توسعه صنایع تبدیلی بخش کشاورزی به همین دلیل معنا و مفهوم پیدا می‌کند چون به عنوان بخش اصلی صنایع روستایی می‌تواند در ساماندهی وضعیت اقتصادی روستا نقش سازنده و مهمی را ایفا کند و در عین حال وظیفه تبدیل و فرآوری محصولات کشاورزی را نیز بر عهده دارد. استقرار اینگونه منابع در محل تولید مواد اولیه آنها که قطبهای تولید کشاورزی برای هر محصول است موجب کاهش هزینه‌های حمل و نقل، انبارداری، کاهش ضایعات و در نهایت کاهش بهای تمام شده کالا خواهد شد. توزیع منطقی صنایع در کشور در ایجاد اشتغال در مناطق نقش بسیار مؤثری خواهد داشت که خود سبب کاهش مهاجرت و همچنین تمرکززدایی می‌شود. از آنجا که کار صنایع تبدیلی اغلب فصلی است و همزمان با برداشت محصول و پایان کار کشاورزی شروع می‌شود از این خصوصیت می‌توان برای بکارگیری کشاورزان در فصل بیکاری و افزایش درآمد آنها استفاده کرد. ایجاد کارخانجات در کنار روستاها چهره محل را تغییر خواهد داد و جوانان روستایی را برای ماندن در زادگاهشان ترغیب خواهد نمود.

در ایران بطور متوسط حدود ۳۰ درصد از مواد غذایی مختلف در نتیجه ضعف امکانات تبدیل و نگهداری ضایع می‌شود که معادل با غذای ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر است این در حالی است که کشورهای پیشرفته صنعتی به مدد پیشرفتهای علمی و



حال حاضر عدم بازدهی و سودآوری این بخش در مقایسه با سایر بخشهای اقتصادی کشور می باشد.

(۲) تناسب بین میزان تولید محصولات کشاورزی با ظرفیت رسمی صنایع تبدیلی وابسته به محصولات در منطقه مورد نظر - در این مورد بایستی صنایع تبدیلی در مکانی استقرار یابد که میزان تولید محصول در آن منطقه به حد کافی بوده و جوابگوی صنایع مورد نظر باشد.

(۳) گسترش برنامه تحقیق و توسعه برای انطباق امکانات موجود با نیازمندیهای جامعه در زمینه صنایع تبدیلی - فرآیند، تحقیق و توسعه عبارت از شناسایی نیاز یا استعداد پیدایش اندیشه ها، آفرینش، طراحی، تولید، و انتشار یک محصول و فرآیند یا نظام تکنولوژیکی تازه است. (۱۳)

(۴) ایجاد صنایع تبدیلی که تولید آنها قابل عرضه در بازار بین المللی است. این امر به جهت فراهم آوردن ارز برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور مفید می باشد. بر اساس کالاهای تولیدی صنایع تبدیلی انواع کمپوت و کنسرو میوه در مقایسه با سایر کالاهای صنعتی ایران از عملکرد صادراتی بالاتری برخوردار است به



برآورد کارشناسان نشان می دهد که جمعیت ایران از ۶۲ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ به ۱۶۲ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید و ایران از پانزدهمین کشور پر جمعیت در سال ۱۹۹۳ به نهمین کشور پر جمعیت تبدیل خواهد شد.



نحوی که طی سالهای ۹۴-۹۸ صادرات کنسرو انواع میوه حدود ۰/۷۳ از کل صادرات صنعتی کشور را بخود اختصاص داده است (در سال ۱۹۹۴ ارزش کل صادرات انواع کنسرو و میوه حدود ۷۸۱۰ هزار دلار بود که در سال ۱۹۹۸ با نرخ رشد ۲۳/۰۷ درصد به ۱۷۹۱۹ هزار دلار رسیده است. (۳)

(۵) رعایت استاندارد در صنایع کشاورزی، از فواید استاندارد در صنایع تبدیلی می توان به افزایش سطح تولید، صرفه جویی در مصرف مواد، انرژی، نیروی انسانی، بهبود کیفیت فرآورده، مرغوبیت فرآورده و اطمینان خاطر از دوام و کارایی آن، تقلیل ضایعات، تسهیل در امور انبارداری، حمل و نقل و پرداخت هزینه کمتر را می توان نام برد. عدم رعایت مقررات استاندارد در صنایع تبدیلی ممکن است باعث بروز بیماریهای مختلف و حتی کشنده در میان مصرف کنندگان گردد و باعث شود که صنایع تبدیلی مورد استقبال واقع نشود.

(۶) توجه به بسته بندی مناسب - طبق آمار موجود سالیانه حدود ۵۰ درصد از محصولات کشاورزی جهان به خاطر عدم گسترش صنعت بسته بندی از بین می رود و اگر این مسأله را نیز در نظر بگیریم که سالیانه حدود ۸۰۰ میلیون نفر از گرسنگی می میرند بر اهمیت مسأله افزوده می شود. هدف اساسی صنعت بسته بندی دسترسی به سالم ترین و اقتصادی ترین روش تحویل کالا از نقطه تولید به آخرین مصرف کننده است به همین دلیل به عنوان عامل قوی و موثر در مسیر طولانی تولید، توزیع و بازاریابی عمل می کند. (۷)

(۷) پرداخت اعتبار با بهره پایین برای کسانی که متقاضی ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی در روستاها می باشند، بنابه گفته کارتر اعتبارات جدا از اینکه امکان استفاده بهتر از نهاده های ثابت را فراهم می کند موجب خرید امکانات تکنولوژیکی شده و کارایی تکنیکی را افزایش می دهد همچنین موجب رفع محدودیت منابع شده باعث می شود که نهاده ها به میزان مناسب خریداری شود.

(۸) تجدیدنظر در نحوه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و صنایع کشاورزی، یک چهارم تولید ناخالص ملی در بستر کشاورزی، زمینه اشتغال برای ۲۳٪ از کل جمعیت شاغل و بیش از ۷۵٪ از نیازهای غذایی و همچنین ۳۵٪ از صادرات غیر نفتی را تأمین می کند سهم بخش صنایع کشاورزی تنها ۳٪ از سرمایه گذاری عمرانی در کشور می باشد. (۲)

منابع و مأخذ:

- (۱) موسوی، سید محمد (۱۳۷۲)، روند رشد جمعیت و تولید در جهان و ایران ماهنامه سنبله بهمن ماه شماره ۵۷.
- (۲) دفتر امور میوه های گرمسیری و نیمه گرمسیری وزارت کشاورزی گزارش یازدهمین اجلاس بین الدول مرکبات ادیبهشت ۱۳۷۵
- (۳) فتحی، یحیی (۱۳۸۱) تجزیه و تحلیل مزیت نسبی صادراتی گروههای مختلف صنایع غذایی ایران اقتصاد کشاورزی و توسعه سال دهم شماره ۳۸.
- (۴) رنکن، ام و سی وکیل، اروسی کتاب راهنمای صنایع غذایی (جلد اول) ترجمه مجتبی دولتخواه، مریم شمعانی تهران ۱۳۷۸.
- (۵) طلائی، علیرضا (۱۳۷۲)، محصولات باغی جایگزین با ارزش در جیره غذایی روزانه مردم، ماهنامه کشاورز سال چهارم شماره ۱۳.
- (۶) گزارش F.A.O از تولیدات کشاورزی در جهان در سال ۱۹۹۷.
- (۸) جهانگرد، اسفندیار (۱۳۷۵) نقش صنایع روستایی در اقتصاد ایران ماهنامه جهاد شماره ۱۹۱-۱۹۰
- (۹) نوروزی، فرح آرا - صمیمی بیبا (۱۳۸۱) ترازنامه غذایی ایران ۸۰-۱۳۶۸ (ارزیابی روند تولید عرضه مواد غذایی در کشور از دیدگاه تغذیه ای) وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و اقتصادی مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- (۱۰) پنج محصول باغی (آمار و مزایا) اداره کل آمار و اطلاعات وزارت کشاورزی ۱۳۷۷
- (۱۱) مؤمنی فرشاد (۱۳۷۸) پیش نیازهای استراتژیک توسعه صنایع روستایی. همایش صنایع روستایی تهران ۱۳۷۸
- (۱۲) ماهنامه مروج شماره ۴۲ دیماه ۱۳۸۲
- (۱۳) مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۱) رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی ترجمه سیدابوطالب فنایی، سیدجواد مسیر، مهدی گنجیان، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.